

ساختار نظام تربیت معلم در قوچان در عصر پهلوی اول و دوم

عشرت داودی^۱

رجبعلی وثوقی مطلق^۲

امیر اکبری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰

چکیده

تاسیس مدارس به سبک جدید در ایران کاملاً مشخص نیست که از چه زمانی بوده زیرا بعضی معتقدند که مدارس دینی که توسط میسیونرهای آمریکایی در آذربایجان بوده و عده ای هم به تاسیس مدرسه دارالفنون اشاره می کنند. اما آنچه مبرهن است که نخستین دارالمعلمین ایران در سال ۱۲۹۷ ه. ش بوده است. اولین مرکز تربیت معلم در شهرستان قوچان در سال ۱۳۲۳ ش با ۲۵ نفر شاگرد ایجاد گردید. که این مرکز " کلاس کمک آموزگاری " نام داشت. اما در سال ۱۳۴۹ منحل و به جای آن دانشسرای پسران جایگزین شد. اکنون نیز به نام دانشگاه فرهنگیان پذیرای دانشجویان زیادی جهت حرفه معلمی می باشد. با توجه به ماهیت موضوع روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی خواهد بود. گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه ای و میدانی بوده است. هدف از این پژوهش در درجه اول پاسخ به سوال اصلی است. تا در پرتو آن به بررسی و واکاوی ساختار نظام آموزشی و سیر تحولات نظام تربیت معلم که یکی از بخش های مهم جامعه می باشد و تاثیراتی که در آموزش دانش آموزان دارد بپردازد. نتایج بدست آمده در این پژوهش حاکی از آن است که این مراکز در قوچان دارای افت و خیزهایی بوده و هنوز مسئله تربیت معلم محقق نشده است. و بسیاری از مدارس با کمبود معلم مواجه می باشند.

کلید واژه ها: قوچان، دارالمعلمین، تربیت معلم، دانشسرای مقدماتی، پهلوی اول و دوم

^۱ دانشجوی دکتری، رشته تاریخ بعد از اسلام، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. e.davoodi53@gmail.com

^۲ استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. Ir.vosoughi@iran.ir

^۳ استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. amirakbari84@yahoo.com

۱- مقدمه

بررسی تحولات آموزش و پرورش در ایران بازگو کننده این واقعیت است که از دوره باستان تا کنون نهاد آموزش و پرورش متأثر از حکومت و خواستگاه اجتماعی بوده است. در اوایل، تعلیم و تربیت به طبقات مرفه و اشرافی تعلق داشت و زمانی نیز خانواده، مساجد، مکتب خانه ها، کتابخانه ها و بعدها مدارس محللهایی بودند که برای فراگیری علم و دانش نقش داشتند. اما سازمان رسمی که فرزندان بتوانند در آن به تحصیل بپردازند و تعلیم دهندگان نیز خود تعلیم ببینند وجود نداشت.

با تاسیس مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۶۸ه.ق / ۱۲۲۸ش گام موثری در توسعه آموزش و پرورش نوین ایران برداشته شد که باعث شد اینکه دولت احساس مسئولیت نموده و در امر توسعه تعلیم و تربیت کشور اهتمام ورزد و این جهش فرهنگی موجب تاسیس وزارت علوم در سال ۱۲۷۲ه.ق / ۱۲۳۲ش گردید (عسکریان، ۱۳۶۳: ۱۲۷).

قبل از نهضت مشروطیت و علی رغم رواج فعالیت‌های آزادی خواهانه و تجدد طلبی در میان مردم هیچ گونه کوششی برای استقرار یک نظام فراگیر تربیت معلم نه از جانب دولتمردان و نه از سوی آزادی خواهان و فرهنگ دوستان به عمل نیامد به طوری که طی این مدت مدیران و معلمان مراکز آموزشی برای تصدی شغل خویش دوره تحصیلی خاصی را نمی گذراندند و هر کدام با ذوق و سلیقه شخصی برنامه های تحصیلی را برای مدارس و محل تدریس تنظیم و تدوین می کردند. معلمان مدارس جدید التاسیس نیز از میان طلاب مدارس قدیم یا از بین متقاضیانی که در رشته هایی از علوم و فنون در خارج از کشور تحصیل کرده بودند بدون گذراندن دوره مربیگری انتخاب می شدند (آقازاده، ۱۳۸۸: ۱۴۳).

با آغاز انقلاب مشروطه و تشکیل قوه مقننه تاسیس مدارس در حوزه وظایف دولت قرار گرفت. در سال ۱۳۲۹ه.ق / ۱۲۹۰ش قانون اساسی معارف در مجلس دوم به تصویب رسید و تمام سازمانهای تربیتی زیر نظر سازمانی بزرگ و متمرکز به نام وزارت معارف قرار گرفت. در سال ۱۲۹۸ش دولت برای نخستین بار برای تربیت آموزگار در کشور اقدام به

تاسیس دارالمعلمین و دارالمعلمات نمود. وزارت علوم و معارف بعدها به نام وزارت علوم و معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تغییر نام داد و در سال ۱۳۱۷ ش در اواخر دوره رضاشاه به نام وزارت فرهنگ و در سال ۱۳۴۳ ش دوره سلطنت محمد رضا پهلوی به نام وزارت آموزش و پرورش نامیده شد (رحمانیان، ۱۳۹۴: ۲۱۰).

در این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی و جمع آوری اطلاعات کتابخانه و میدانی صورت گرفته است. سعی می شود به سیر تحولات مراکز تربیت معلم در قوچان پرداخته، و به این پرسش ها که سوابق تاریخی تربیت معلم در قوچان به چه دورانی بر می گردد؟ جایگاه قوچان از نظر مراکز تربیت معلم در استان خراسان چگونه می باشد؟ ساختار نظام آموزشی تربیت معلم قوچان تابع چه قوانین و شرایطی بوده است؟ قوچان تا چه حدود هم پای مراکز تربیت معلم پیش رفته است؟ پاسخ داده شود. در مورد شکل گیری این مراکز آثار و نوشته هایی به صورت پراکنده در بعضی از کتب نویسندگان وجود دارد در لابه لای کتاب سرزمین و مردم قوچان اثر محمد جابانی اشاراتی در مورد تربیت معلم داشته است یوسف متولی حقیقی در کتاب تاریخچه آموزش و پرورش نوین خراسان از آغاز تا انقلاب اسلامی، هم چنین کتاب تاریخچه آموزش و پرورش نوین مشهد و اداره کل خراسان نوشته ایرج آقا ملایی، کتاب تاریخ تربیت معلم مشایخی و تاریخ فرهنگ صدیق نیز در زمره کتاب هایی بوده که مورد استفاده قرار گرفت. ولی مصاحبه با افرادی که خود دست اندر کار بوده و به گونه ای دخیل بوده اند نیز کمک بسیاری بر موضوع شده است.

۲- پیشینه نظام تربیت معلم

با توجه به نقش دارالفنون در شکل گیری و توجه به نیروی انسانی به عنوان یکی از مهمترین عناصر توسعه در آموزش و پرورش و نیز نوع اهداف، ساختار، مدیریت و رویکرد آموزشی دارالفنون که بیشتر مبتنی بر فنون نظامی بود. شرایط اقتضا می کرد که برای تربیت نیروهای متخصص مورد نیاز مدارس، مراکز جدید ایجاد شود. در فاصله سال های ۱۲۹۰-۱۲۹۸ ش اصلاح طلبان و برخی از نمایندگان مجلس چندین بار لایحه ای جهت تاسیس

مرکزی به نام دارالمعلمین تقدیم مجلس کردند اما به دلیل کمبود بودجه و اشتغال فراوان دولت وقت به امور دیگر، لایحه مذکور به تصویب نرسید، تا این که در سال ۱۲۹۸ش مجلس به حکم ضرورت لایحه تاسیس دارالمعلمین (مرکز تربیت معلم پسران) و دارالمعلمیات (مرکز تربیت معلم دختران) را به تصویب رساند و بدین سان ایجاد مراکز تربیت معلم برای دختران و پسران جنبه قانونی به خود گرفت. ریاست دارالمعلمین مرکزی بر عهده ابوالحسن فروغی بود (آقازاده، ۱۳۸۸: ۱۴۳). با تصویب قانون تاسیس دارالمعلمین و دارالمعلمیات نظامنامه ای در ۳۲ ماده مشتمل بر ابعاد ساختاری و اجزا و برنامه درسی برای این مراکز تدوین شد (صدیق، ۱۳۵۴:)

دارالمعلمین دارای دو شعبه عالی و ابتدایی و هر کدام دارای تشکیلات اداری جداگانه ای بود. در کلاس ابتدایی دروسی برای تربیت معلمین مدارس ابتدایی تدریس می شد و در کلاس عالی نیز دروسی برای تربیت معلمان دبیرستان تدریس می گشت. دوره تحصیل در دوره ابتدایی سه سال و شرط ورود به آن داشتن گواهینامه ی شش سال ابتدایی بود. در دو سال اول به آموزش نظری پرداخته می شد و در سال آخر به تعلیمات عملی، یعنی تعلیم و تدریس زیر نظر معلم مربوطه اختصاص داشت. به فارغ التحصیلان این دوره تصدیق نامه ی معلمی در مدارس ابتدایی اعطا می شد. در شعبه عالی دوره تحصیل چهار سال و شرایط ورود، گذشته از شرط سن و اخلاق، داشتن گواهینامه ی دوره اول متوسطه بود. سه سال اول برنامه درسی به فراگیری دروس مختلف مربوط به اصول تعلیم و تربیت و سال چهارم نیز به برنامه عملی اختصاص داشت. برنامه عملی شامل تدریس و کنفرانس در حضور معلم و جلسات بحث و تبادل نظر در مورد شیوه های تدریس می شد.

در سال ۱۳۰۷ دارالمعلمین مرکزی به دارالمعلمین عالی تبدیل گردید و بدین ترتیب مرکزی برای تربیت دبیر بنیان گذاری شد. بطوری که در سال ۱۳۰۸ در مجموع ۱۸۰ دانشجو در دارالمعلمین عالی تحصیل می کردند. این مرکز به دو بخش ادبی و علمی تقسیم می شد که بخش ادبی آن شامل رشته های تحصیلی فلسفه، ادبیات، تاریخ و جغرافیا و بخش علمی آن

شامل طبیعیات، ریاضیات، فیزیک و شیمی بود. در همین سال به منظور تشویق جوانان لایق و مستعد جهت تحصیل در دارالمعلمین عالی قانون استخدام فارغ التحصیلان این مرکز به تصویب مجلس شورای ملی رسید. به موجب ماده سوم این قانون دارندگان درجه لیسانس از دارالمعلمین عالی می توانستند بدون طی خدمات اولیه با رتبه چهار به خدمت معلمی در آیند و وزارت معارف وقت مکلف شد تا فارغ التحصیلان دارالمعلمین عالی را در مدارس دولتی به خدمت بگمارد (آقازاده، ۱۳۸۸: ۱۴۳-۱۴۴).

قانون تربیت معلم و تاسیس دانشسرای مقدماتی و عالی در سال ۱۳۱۳ به تصویب مجلس رسید و بر این اساس دولت مکلف شد که ظرف یک سال تعداد ۲۵ باب دانشسرای مقدماتی و یک باب دانشسرای عالی دختران در تهران یا ولایات تاسیس کند. و دانشسرای عالی پسران را که قبلاً تاسیس شده بود تکمیل کند (صدیق، ۱۳۵۴: ۳۷۳). مطابق مواد این مصوبه تحصیلات در دانشسراها باید شبانه روزی و رایگان باشد. یکی از شروط ورود به دانشسرای مقدماتی داشتن تحصیلات سه ساله متوسطه و شرط ورود به دانشسرای عالی داشتن گواهینامه مدارس متوسطه بود. نخستین دانشسراهای مقدماتی کشور در شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، شیراز، کرمان، مشهد، رشت، بیرجند، رضائیه، بروجرد، کرمانشاه، اهواز و یزد تاسیس شدند (مجله تعلیم و تربیت، ۱۳۱۶: ۵۶۳). میزان حقوق ماهیانه دبیران ۶۸۰ ریال و دانشیاران (اساتید) ۱۰۰۰ ریال تعیین شده بود که در آن تاریخ بالاترین حقوق برای شروع خدمت دولتی بوده است (متولی حقیقی، ۱۳۸۴: ۶۸).

برنامه های تحصیلات دانشسرای مقدماتی شامل دو قسمت مختلف بود: قسمت اول آن شامل دروس زبان فارسی، عربی، ریاضیات، زبان خارجه، تاریخ، جغرافیا، فیزیک، شیمی، تاریخ طبیعی (زیست شناسی) حفظ الصحه (بهداشت)، موسیقی و سرود و تربیت بدنی و کاردستی و کشاورزی بود. قسمت دوم آموزش روانشناسی و اصول تعلیم و تربیت را شامل می شد (مشایخی، ۱۳۵۵: ۳۲).

دوره تحصیل در دانشسرای مقدماتی دو سال در نظر گرفته شده بود فارغ التحصیلان پس از فراغت از تحصیل وارد رتبه یک آموزگاری شدند و برای هر دو سال یک بار رتبه و ترفیع می گرفتند و در صورت ابراز لیاقت و تلاش و جدیت این ترفیع تا مدت شش سال ادامه پیدا می کرد، پس از مدت شش سال و اخذ رتبه ۳ آموزگاری، مجدداً در صورت ابراز لیاقت و حسن خدمت هر ساله یک رتبه دریافت و حق ترفیع به رتبه بالاتر را پیدا می کردند. فارغ التحصیلان دانشسرا حق داشتند تا رتبه ده آموزگاری که فقط مخصوص این افراد بود در صورت احراز شرایط لازم ارتقا یابند (تمدنی، ۱۳۱۵: ۷۳).

تا سال ۱۳۲۲ تعداد ۷ باب دانشسرای کشاورزی و تا سال ۱۳۳۵ تعداد ۶ باب دانشسرای تربیت بدنی و تا سال ۱۳۳۷ تعداد ۶ باب دانشسرای عشایری به منظور تامین معلمان مورد نیاز عشایر کشور تاسیس گردید. در سال ۱۳۳۸ به لحاظ نیاز به معلمان در سطح کشور بویژه مناطق روستایی دانشسرای مقدماتی دوساله منحل و دوره یک ساله تربیت معلم جانشین آن گردید (مشایخی، ۱۳۵۵: ۳۲). از جمله دلایل برای اتخاذ چنین تصمیمی آن بوده است که دوره یک ساله تربیت معلم به علت کوتاهی دوره تحصیلی و هم از جهات سرعت در عرضه نیروی مورد نیاز دستگاه تربیتی مقرون به صرفه است. و تنها راه حل مناسب برای جبران کمبود معلمان به شمار می رفت. نخستین دوره تربیت معلم یک ساله از ۱۳۴۰-۱۳۳۹ آغاز به کار کرد. ولی با شروع سپاه دانش در سال ۱۳۴۲ منحل گردید.

با تغییر نظام آموزشی، در سال ۱۳۴۷ برای تامین معلمان مدارس راهنمایی تحصیلی، ۱۱ باب دانشسرای راهنمایی تحصیلی که تعداد آنها تا سال ۱۳۵۵ به ۲۴ باب افزایش یافت. مراکز تربیت معلم کودکان استثنایی در سال ۱۳۴۷، مراکز تربیت مربی کودک در سال ۱۳۵۱، در تهران و شهرستانها دایر گردید. شایان ذکر است که تا سال ۱۳۵۷ یعنی تا قبل از انقلاب اسلامی مراکز تربیت معلم کشور شامل: دانشسرای مقدماتی، دانشسرای راهنمایی و مرکز تربیت معلم روستایی بودند و علاوه بر آن دانشسرای عالی تهران و برخی از دانشکده های علوم تربیتی دانشگاههای کشور از جمله دانشکده علوم تربیتی دانشگاه ابوریحان، دانشگاه

تربیت معلم (دانشسرای عالی سابق) وظیفه تربیت دبیر برای دبیرستانها و مراکز تربیت معلم را به عهده داشتند.

۳- استخدام معلمان و مسئله حقوق آنان

اسناد و شواهد تاریخی آموزش و پرورش کشورمان نشان می دهد، که در گذشته نظام سازمان یافته ای جهت استخدام یا برقراری حقوق و مقرری برای معلمان کشور وجود نداشته است و از نظر چگونگی امرار معاش، معلمان وضعیت رضایت بخشی نداشته اند. اصولاً زندگی معلم از ماهیانه مختصری که از هر یک از شاگردان خود دریافت می کرد تامین می شد. و رسم چنین بود که شاگردان هرگاه بخشی از قرائت قرآن مجید را تمام می کردند به مناسبت اعیاد و عید نوروز به معلمان خود هدایایی می دادند (آقازاده، ۱۳۸۲: ۵۲). گفتنی است که معمولاً حقوق ماهیانه و هدایای شاگردان برای اداره امور زندگی بسیار ساده معلمان کافی نبود و آنان سعی می کردند به خدمات دیگری از قبیل تحریر اسناد و معاملات غیر منقول، نسخه پردازی از کتب، رقعہ نویسی و اجرای صیغه و عقد ازدواج و طلاق یا عقود لازم الاجرای دیگر برای مردم محل بپردازند. گاهی هم به طور خصوصی به خانه اعیان و اشراف جهت تعلیم فرزندانشان می رفتند و مقرری سالیانه دریافت می کردند (مشایخی، ۵۵: ۱۳-۲۴-۲۲).

با تاسیس دارالفنون و ضرورت استخدام معلمان اداره امور آموزشی به این نهاد تربیتی توجه شد و از آن زمان برای نخستین بار معلمان همانند سایر کارکنان دولت سمت دیوانی یافتند و به تدریج موقعیت اجتماعی آنان به دلایل آشنایی با روشهای جدید آموزش آشکار و نقش واقعی معلمان در عرصه تعلیم و تربیت کشور بارزتر شد (آقازاده، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

نخستین قانون استخدام معلم در ایران در سال ۱۳۰۳ ش در زمان نخست وزیر رضاشاه تصویب شده بود. مطابق این قانون معلمان زن و مرد مقطع ابتدایی باید دارای گواهینامه دارالمعلمین و دارالمعلمات ابتدایی و یا دوره دوم متوسطه و یا تصدیق نامه سه سال اول متوسطه باشند. معلمان دوره دوم متوسطه و هم چنین معلمان دارالمعلمین و دارالمعلمات

نیز بایستی گواهینامه مدارس عالیّه یا گواهینامه ای که مبنی بر پذیرفته شدن آنها در امتحان دروسی که داوطلب تدریس آن هستند باشند (متولی حقیقی، ۱۳۸۴: ۶۶).

معلمان مدارس عالیّه را وزارت معارف از بین دارندگان دانشنامه مدارس عالی و از طریق آزمون استخدام می کرد (مشایخی، ۱۳۵۵: ۱۹). در مجموع در سالهای نخست پادشاهی رضاشاه معلمان به چهار گروه: ۱- معلمان مدارس ابتدایی ۲- معلمان دوره اول متوسطه ۳- معلمان دوره دوم متوسطه ۴- معلمان مدارس عالیّه تقسیم می شدند.

هر یک از این چهار گروه در داخل خود به لحاظ دریافت حقوق و مزایا به پنج درجه تقسیم می شدند. میزان حداقل مقرری رتبه اول خدمت به موجب قانون بودجه سالیانه مشخص می شد و به رتبه های بالاتر ۲۰ درصد حقوق رتبه قبل افزوده می شد. معلمان مدارس ولایات نیز تفاوت سختی آب و هوا را از ۱۰ تا ۳۰ درصد دریافت می کردند. شرط احراز مدیریت مدارس ابتدایی داشتن سی سال سن و ده سال سابقه خدمت بود. مدیران مدارس متوسطه نیز حداقل سی و پنج سال سن و ده سال سابقه تدریس در مدارس متوسطه می بایست داشته باشند. مدیران مدارس عالی نیز لازم بود حداقل چهل سال سن و پانزده سال خدمت در مدارس عالی داشته باشند (متولی حقیقی، ۱۳۸۴: ۶۷).

۴- تاریخچه تربیت معلم در قوچان

یکی از عناصر عمده ای که تشکل سازمانهای آموزشی بدون آن امکان پذیر نیست، نیروی انسانی آموزشی آن سازمانها یعنی "معلم" است. هر چند امر تدریس در زمره حرف قلمداد شده است ولی با توجه به عملکرد معلم بدور از انتقال دانستنی های صرف می توان امر تدریس را یک هنر تلقی نمود. برخوردار بودن دانش وسیع و معلومات عمیق نمی تواند ملاک اصلی برای اشتغال پایگاه اجتماعی و مقام معنوی معلم باشد لذا شرط عمده احراز مقام معلمی علاوه بر مستعد بودن فرد برای پذیرش دانستنیهای لازم و در رابطه با شغل "آموزگاری" این است که داوطلب این شغل از شرایط خاص دیگری نیز برخوردار باشد. برخوردار بودن معلم از شرایط خاص به منظور ایجاد دگرگونیهای لازم در رفتار دانش آموز و

تکمیل استنتاجات او از مفاهیم است. پس بر آورد این هدف با آمادگیهای لازم معلم قبل از پرداختن به انجام وظیفه این خطیر، رابطه مستحکم و غیر قابل انکاری پیدا می کند. محتوای برنامه تربیت معلم با برخورداری از کیفیتی خاص می تواند معلم را در رسالتش یاری دهد. در گذشته مکان و جایی برای این رسالت وجود نداشت و معلمین معمولاً از طلاب و افرادی که تا حدودی از نعمت سواد برخوردار بودند در کلاسها حضور پیدا کرده و به تدریس مشغول می شدند و کودکان و نوجوانان در این کلاسها به آموزش می پرداختند و برنامه مدون که بتواند شاگردان را راهنمایی و بر اساس استعداد آنها تدریس شوند و کمک و راهنمایی نمایند وجود نداشت.

در قوچان قبل از انقلاب مشروطه آموزش در مکتب خانه های سنتی صورت می گرفت. معلمان معمولاً از طریق مراکز دینی و یادگیری فقه و اصول درسی قرآن، به نعمت سواد دست یافته بودند و آنچه می دانستند با همان روش سنتی به کودکان و نوجوانان می آموختند و هیچگونه نظارتی هم وجود نداشت. مکتب خانه ها ادامه داشت حتی بعد از انقلاب مشروطیت و اوایل دوران پهلوی اول هر فردی در منزل خود یا مسجد محل مکتب خانه دایر می کرد و اهل محل بجه های خود را از دختر و پسر که کوچک بودند معمولاً از سن پنج سالگی به مکتب می فرستادند. کودکان بیشتر با خواندن قرآن و گاه آموزش الفبا و حساب کردن را می آموختند. البته یادگیری به حافظه آنها بستگی داشت. کودک با حافظه در مدت یک سال که مکتب دار درس می داد از عهده خواندن و قرائت قرآن بر می آمد. ولی بعضی از کودکان که توانایی یادگیری کمتری داشتند ممکن بود که حتی دو یا سه سال طول بکشد و نتوانند قرآن را فرا بگیرند و از کتک و فلک هم بی بهره نبودند مکتب را ترک می کردند و به کار دیگری می پرداختند. افرادی که علاقمند بودند به دلیل کمبود مدرس و مکان تحصیل و امکان فراگیری دروس به صورت جدید که در این شهر وجود نداشت به شهرهای دیگر و حوزه های علمیه می رفتند. که دوره های ابتدایی و مقدماتی را معمولاً در قوچان می گذراندند و برای تحصیل در دوره های بالاتر سطح و خارج به حوزه های علمیه

شهرهای بزرگتر مانند مشهد و یا نجف می رفتند. آیت الله نجفی قوچانی که مقدمات کامل را در مدرسه علوم دینی قوچان آموخت سپس عازم مشهد شد. و در مدرسه دو درب مشهد ساکن گردید و ایام تابستان که مدرسه تعطیل بود. در قوچان به کشاورزی می پرداخت تا مخارج تحصیل خود را تامین نماید ابوالبرکات نجم الدین خبوشانی از شاگردان امام محمد یحیی بود وی از فقهای شافعی و صاحب کتاب المحیط می باشد. که در مصر مدفون است (برقی قمی، ۱۳۲۸: ۲۶۰). زین الاسلام ابوالقاسم قشیری که برای تحصیلات مقدماتی به نیشابور مهاجرت کرد.

یکی از هدف های آموزش و پرورش تامین حق بهره مندی از آموزش و پرورش بوده است که در متمم قانون اساسی مصوب ۱۲۹۰ ش تاکید شده است که همه کودکان صرف نظر از اصل و نسب و وضع خانوادگی و اجتماعی در قبال تربیت، حق مساوی دارند و باید بطور مساوی و تا آنجا که شخصیت و استعدادشان مجال می دهد از امکانات رشد کامل شخصیت بهره مند شوند هیچ چیز به جز استعداد و توانایی آنان نباید راه ترقی و کمال را بر فرزندان این آب و خاک مسدود سازد (مشایخی، ۱۳۵۴: ۵۸).

زنان و دختران قوچان که نیمی از جمعیت این شهر را تشکیل می دادند از تمام حقوق اجتماعی بی بهره و از کار و کسب و معرفت دور و از تمام مراودات و تحصیل و به طور کلی از دنیای متمدن علوم بدور بودند. از سن ۹ سالگی باید ازدواج می کردند. خانواده های امل به نام اخلاق و مذهب زنان را تازیانه می زدند. رفتار خشن و بی رحمانه ای داشتند و فشارهای ضد انسانی و شبه مذهبی به نام دین، علیه دین بر او تحمیل می کردند. او را از بسیاری از حقوق انسانی محروم می نمودند و جامعه آن زمان قوچان به گونه ای بود که حتی بعضی از دختران را در ازای ۱۲ من گندم به ترکمانان می فروختند (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۳۲: ۲۰۶).

تا سال ۱۲۹۵ مدرسه ای به سبک جدید در قوچان وجود نداشت و افرادی هم که به دنبال علم بودند به مکتب می رفتند. معمولاً یادگیری توأم با تنبیه بود و گاهی بی علاقه‌گی در

افراد ایجاد می نمود. تنها مدرسه ای که در قوچان وجود داشت مدرسه عوضیه بود که به آموختن علوم دینی می پرداختند. در اوایل سلطنت پهلوی اول، به علت فعال بودن مکتب خانه ها افرادی که نسبت به فرهنگ جامعه دلسوز بودند گام های موثری برداشته و در جهت گسترش علم و دانش و ایجاد آگاهی به مردم به فکر تاسیس مدارس جدید افتادند. مدارس ملی توسط شخصیت های فرهنگ دوست قوچان افتتاح گردید. اما بیشتر، فرزندان خوانین به دلیل موقعیتی که داشتند از این نعمت بهره می بردند. اکثر فرزندان این شهر به علت تنگدستی و مخالفت با فرهنگ جدید که آن را غربی می دانستند و کمک فرزندان به در آمد خانواده، از سواد محروم بودند. و خانواده ها فرزندان را وادار می کردند کار کنند یا شغل پدر را ادامه می دادند و مانع تحصیل فرزندان می شدند. در سال ۱۳۱۵ که رضا شاه فعالیت مکتب خانه ها را ممنوع کرد مردم علی رغم این که گروهی از مکتب خانه ها به خانه ها منتقل گردید با آگاهی تمایل به تحصیلات جدید بیشتر شد. در دوره پهلوی اول تعداد مدارس انگشت شمار بود ولی در دوره پهلوی دوم با تثبیت اوضاع سیاسی کشور بعد از جنگ جهانی دوم شهر قوچان نیز از رونق خاصی برخوردار شد و مرتب بر تعداد جمعیت افزوده می گردید. در نتیجه این وضعیت بر تعداد مدارس افزوده می گشت. با تاسیس مراکز تربیت معلم و دانشسراها و تربیت نیروی انسانی متبحر به تدریج دامنه تحصیلات جدید گسترش بیشتری یافت. مراکزی نیز جهت تربیت معلم نیز ایجاد شد که در ذیل اشاره می گردد.

۵- کلاس کمک آموزگاری

بعد از فروکش کردن شعله های جنگ جهانی دوم و آرامش در کشور توجه دولتمردان به توسعه مدارس ادامه داشت و در این راستا مدارس در شهر قوچان فزونی یافت. با توجه به توسعه مدارس و رشد فزاینده دانش آموزان قوچانی کمبود معلم به ویژه در مقطع ابتدایی در شهرستان قوچان کاملاً محسوس بود پس از تصویب قانون تربیت معلم در اسفند ماه سال ۱۳۱۲ ش برای تامین و تربیت معلم مدارس ابتدایی در کشور قوانین و مقررات خاصی

از سوی مسئولین ذیربط تدوین و به مرحله اجرا در آمد. در سال ۱۳۲۲ قانون آموزش و پرورش عمومی و اجباری و رایگان به تصویب رسید و اولیای کودکان موظف شدند فرزندان خود را که به سن ۶ سالگی می رسیدند به دبستان بفرستند (متولی حقیقی، ۱۳۸۴: ۷۸).

این قانون شهرداری ها را مکلف کرد که در تهیه ساختمان مدارس و توسعه معارف با وزارت آموزش و پرورش تشریک مساعی کنند و برای تقویت و تهیه آموزگار کافی، وزارت آموزش و پرورش را مکلف داشت که در دانشسراهای مقدماتی دانش آموز بیشتری را بپذیرند و حتی در بعضی از شهرها دانشسرا تاسیس کنند. برای تامین معلم، کلاس های کمک آموزگاری با داشتن گواهی نامه شش ساله ابتدایی تشکیل دهند (علاقه بند، ۱۳۷۶: ۱۲۳).

در شهرستان قوچان در سال ۱۳۲۳ مرکز تربیت معلم ایجاد گردید این مرکز عنوان " کلاس کمک آموزگاری " نام داشت و یک دوره دو ساله بود. دانش آموزانی که دارای تصدیق ششم ابتدایی بودند و سنشان حدود شانزده سال بود با انجام امتحان ورودی در این مرکز پذیرفته می شدند و به هر یک از دانش آموزان ماهیانه مبلغ ۱۵۰ ریال کمک هزینه می دادند و به آنها دیپلم ولایت گفته می شد. که یک نوع مدرک تربیت معلم بود. و پایه ششم را تدریس می کردند. ضمناً باید تعهد مبنی بر اینکه پس از فراغت از تحصیل دو برابر مدت تحصیل به خدمت آموزگاری مشغول شوند. و دیگر این که اگر بنا به دلایلی غیبت یا عدم حضور در کلاس یا امتحان را داشتند باید دو برابر کمک هزینه دریافتی را به وزارت فرهنگ بپردازند. با تمام تلاشی که در آن سال برای ثبت نام بعمل آمد فقط شاگردانی که مورد قبول واقع شدند ۱۵ نفر بودند که یک نفر از آنان در سال اول و یک نفر در سال دوم ترک تحصیل نمودند. و بقیه پس از دو سال در سال ۱۳۲۵ فارغ التحصیل گردیدند و به شهرستانهای درگز، شیروان، بجنورد که در آن سالها بخشی از قوچان محسوب می شدند اعزام گردیده و تعدادی هم در قوچان ماندند (جابانی، ۱۳۶۳: ۱۵۱).

برنامه درسی در این مرکز شامل ادبیات، تاریخ و جغرافی و طبیعی و ریاضیات و اصول آموزش و پرورش و روانشناسی بود. معلمین اغلب از دبیران دبیرستان جوینی قوچان بودند این مرکز ضمیمه دبیرستان جوینی بود و کلاسهای آن در همین دبیرستان تشکیل می شد. کلاس تربیت کمک آموزگار تنها یک دوره در قوچان تشکیل شد. سرپرستی کلاس را آقای حسن رئیسی عهده دار بود. البته کمبود اعتبار و کافی نبودن ساختمان های آموزشی، (زیرا اغلب خانه هایی که مدارس قوچان در آنجا تشکیل می شد استیجاری و قدیمی و فرسوده بود) عدم توانایی دانش آموزان در تامین و خرید لوازم التحریر و تهیه فرم لباس مدرسه، پرداخت وجوهاتی بابت کمک به فراش مدرسه و حضور حزب توده که متینگهایی در شهر به راه می انداختند و هر روز برنامه ای داشتند وجود بیگانگان روس و آلمانی ها در شهر که قحطی را حاکم نموده بودند و مشکلاتی را برای رفتن بچه ها به مدارس بوجود می آورد که از رفتن کودکان به مدارس ممانعت به عمل می آمد. اما باز هم بسیار افرادی بودند که مشوق حضور فرزندان خود در مدارس بودند.



دانش آموزان کلاس تربیت معلم قوچان در سال ۱۳۲۴ شمسی

۶- دانشسرای عشایری

عشایر شمال خراسان تاریخچه ای دیرینه در این منطقه نمی توانند داشته باشند. این عشایر بخشی از کردها (قوم ایرانی) هستند که در زمان صفویه به شمال خراسان کوچانده شده اند برخی از آنها در روستاها ساکن شده و تعدادی دیگر در حال کوچند البته بطور کامل نمی توان اطلاعات و آمار دقیقی از جمعیت عشایر بدست آورد. بنا بر این آمار و ارقام رسمی قبل از سال ۱۳۵۵ در خصوص تعداد عشایر قوچان وجود ندارد (رضازاده خسرویه، ۱۳۸۴: ۱۷۱).

اساس معیشت جوامع عشایری بر دامداری سنتی و نگهداری دام متکی است، و چون زندگی دام به علوفه بستگی دارد و بنای زندگی عشایر بر استفاده از علوفه طبیعی و مراتع به صورت چرای آزاد می باشد بنا بر این وابستگی جامعه عشایری به مراتع برای حفظ کیان زندگی خود آشکار می گردد (سهرابی، ۱۳۷۳: ۲). تحرک و جابجایی سالانه عشایر و جدایی گزینی از زندگی یک جانشینی، همیشه مانعی عمده در راه آموزش و سواد عشایر محسوب شده است و عامل اصلی در پایین بودن سطح سواد و بطور کلی کم سواد جوامع عشایری نسبت به جوامع یکجا نشین بوده است این نوع زندگی پیش از آنکه به آموزش و علم به عنوان یک ضرورت زندگی احساس نیاز کند به وابستگی محیط طبیعی و راههای مقابله با آن می اندیشد (رضازاده خسرویه، ۱۳۸۴: ۱۸۶). از فعالیت های فرهنگی در عشایر در سال های نخست حکومت رضاشاه هیچ اثری دیده نمی شود از سال ۱۳۰۷ش تاسیس چند باب مدرسه شبانه روزی به نام دارالتربیه در تهران و بعضی استان های عشایر نشین در برنامه کار قرار گرفت (سهرابی، ۱۳۷۳: ۴۰).

اوایل شیوه درس خواندن در بین عشایر به صورت مکتب خانه ای بود که به مرور ماهیت خود را از دست داد. و فرزندان عشایر و معلمین آنها باید کوچ می کردند آنهایی که توانایی و تمکن مالی داشتند برای ادامه تحصیل به قوچان می رفتند. دانش آموزان عشایر در دوره پهلوی به دلیل کمبود معلم و نداشتن جا و مکان و نظام قبیله ای اغلب از درس

خواندن دوری می جستند. کلاسها معمولا در محیط سرباز تشکیل می شد و دانش آموزان از ادامه تحصیل بخصوص در مقاطع بالاتر منصرف می شدند.

پس از جنگ جهانی دوم آمریکا دامنه نفوذ خود را در ایران گسترش داد سیاست های فرهنگی آمریکا در ایران به وسیله اصل چهار ترومن خود نمایی کرد. در زمان نخست وزیری رزم آرا تصمیم گرفته شده بود که به منظور آماده کردن فرزندان عشایر محلهایی مانند دانشسرای شبانه روزی بسازند. و با ضوابطی فرزندان عشایر را در آنجا تعلیم دهند سپس برای باسواد کردن روستائیان به مناطق مورد نظر بفرستند. نشریه انجمن خبرنگاران خراسان در گزارش فرهنگی خود در سال تحصیلی ۱۳۲۶-۱۳۲۷ را که مرحوم ابوالقاسم فیوضات ریاست فرهنگ استان نهم بود به تاسیس دارالتربیه عشایر در قوچان نیز اشاره نموده است (گزارش خبرنگاران سالیانه انجمن خبرنگاران خراسان، ۱۳۲۸: ۲۷-۲۸). بر اساس این نظریه در سال ۱۳۲۹ که دولت تصمیم گرفته بود به منظور تربیت معلم برای فرزندان عشایر دانشسرای عشایری به صورتی شبانه روزی تاسیس کند قوچان جزو شهرهایی بود که با تاسیس این نوع مراکز در آن موفقیت شد. و به همین ترتیب قطعه زمینی را در مقابل دبیرستان امیر کبیر سابق محمودیه خیامی ۱۲ فعلی در نظر گرفتند و شروع به بنای آن کردند (متولی حقیقی: ۱۳۸۴، ۳۱۴). ایجاد بنا چهار الی پنج سال به طول انجامید. محل ساختمان برای یک صد دانش آموز بود لذا تشک، تخت، پتو و وسایل طبخ، غذا خوری و سایر وسایل مورد نظر تهیه شده بود با کشته شدن رزم آرا اداره کل فرهنگ خراسان به دلایلی از ایجاد این مرکز در قوچان منصرف شد و امکانات تهیه شده برای تجهیز این مرکز بعدها در اختیار دانشسرای مقدماتی دخترانه قرار گرفت (جابانی، ۱۳۷۵: ۱۸۰).

در سال ۱۳۳۴ اساسنامه دانشسرای عشایر به منظور تأمین آموزگار دبستان های عشایر به تصویب رسید شرط ورود به این دانشسراها داشتن حداقل مدرک تحصیلی ششم ابتدایی و عشایری بودن آن بود. در سال ۱۳۳۵ کلاس هایی در تهران برگزار می شد به نام تعلیمات اساسی و عشایرکه افرادی که این کلاس ها را می گذراندند در شهر خود یک حوزه ای در

اختیار داشتند که افراد بی سواد را باسواد کنند. و فعالیت های فرهنگی انجام دهند. در این کلاس ها آقای جابانی از قوچان انتخاب گردید و به تهران اعزام شد. این دوره ها در دارالفنون برگزار می شد که فوق العاده هم می دادند.

۷- سپاه دانش

برای توسعه آموزش ابتدایی در روستاها در سال ۱۳۴۱ش قانون تشکیل سپاه دانش به تصویب رسید. سپاه دانش نام یک نهاد آموزش دهنده در دوره سلطنت محمد رضا شاه پهلوی و نخست وزیری اسدالله علم بود که در سال ۱۳۴۲ کار خود را آغاز کرد. هدف آموختن و سواد به هم میهنان بود هر چند اقداماتی نیز در راه کمک به عمران و راه سازی، کشاورزی، بهداشت نیز در روستا انجام می دادند. هر سال تعدادی از دیپلمه هایی که باید به سربازی اعزام می شدند پس از آموزش مقدماتی مدت چهار ماه را در پادگانها تحت نظر مربیان آموزش و پرورش به آموختن روشهای تدریس طی می نمودند و مواد درسی آموزشی دوره های سپاه دانش، مواد درسی دبستان و نیز درس های آموزش و پرورش و روانشناسی بود. پس از اتمام دوره دو ساله سربازی کسانی که داوطلب خدمت آموزگاری بودند با عنوان آموزگار به استخدام وزارت آموزش و پرورش در می آمدند بعد بقیه مدت سربازی خود را که حدود هجده ماه بود برای تدریس به مدارس روستاها بخصوص روستاهای دور افتاده اعزام می شدند. در این شیوه آموزش فرض بر این استوار بود که با عنایت به تفاوت محیط روستا با شرایط حاکم بر جامعه شهری سپاهیان دانش باید تحت آموزش های خاصی قرار بگیرند. زیرا اگر چه وظیفه اصلی سپاهیان دانش گسترش سواد آموزی در بین روستا نیان بود (روزنامه آفتاب شرق، ۱۳۴۲: سال ۳۹، ۱). اما این انتظار وجود داشت که سپاهیان دانش با ورود به امور مختلف روستا چون امور کشاورزی، بهداشتی، عمرانی و تربیتی بتوانند رهبری دهات را به عهده بگیرند. در نتیجه فردی به نام راهنما نیز آنها را هدایت می نمود. در اوایل دهه چهل تعداد مدارس و امکانات آموزشی در روستاهای قوچان کم بود. در راستای رفع این معضل، در سال ۱۳۴۴ دوره پنجم کلاسهای تربیت سپاه دانش در قوچان

تشکیل شد مدت این کلاسها چهار ماه و برنامه آن مطابق برنامه کلاسهای تربیت معلم یک ساله بود تعداد دانش آموزان در دوره های مختلف متغیر بود ولی حداقل آن ۲۰۰ نفر و حداکثر ۲۴۰ نفر بود. این کلاسها تا پایان دوره یازدهم ادامه داشت و مکان برگزاری آنها نیز پادگان قوچان بود. (جابانی، ۱۳۶۳: ۱۵۱). آموزگاران سپاه دانش بعد از گذراندن این دوره چهار ماهه با درجه گروهبانی برای خدمت در سپاه دانش به وزارت آموزش و پرورش گمارده می شدند. با تصویب قانون خدمات اجتماعی بانوان، سپاه دانش دختران نیز تاسیس شد. در سال ۱۳۴۷ علاوه بر سپاهیان پسر، سپاهیان دختر نیز بعد از این که دوره های آموزشی را گذراندند به روستاها رفتند (متولی حقیقی، ۱۳۸۴: ۸۷). نشریه مهرگان گزارشی از فعالیتها و اقدامات انجام گرفته توسط سپاهیان دانش را در قوچان درج نموده که بر اساس این گزارش تعداد ۲۶ ساختمان دبستان در دهات و ۲ باب حمام بنا شده و ۱۵ حمام تعمیر گردیده و ۲ آب انبار و ۲۲۸ کیلومتر راه ساخته شده است. (نشریه مهرگان، ۱۳۴۳: ۲۰)

۸- استخدام نیروهای جدید

وزارت آموزش و پرورش کشور برای تامین نیروی انسانی هر سال به جز نیروهای تربیت معلم و سپاه دانش برای رفع کمبود آموزگار از بین دیپلمه های مختلف با آزمون و یا بدون آزمون تعدادی را استخدام می نمودند. که این گروه به عنوان معلم پیمانی به خدمت مشغول می شدند و در فرصتهای مناسب با دیدن دوره های آموزشی و کسب تجربه به عنوان معلم رسمی به کار خود ادامه می دادند. این گروه تعهد یک ساله داده و به عنوان معلم پیمانی یا آزمایشی در اداره آموزش و پرورش به کار مشغول می شدند در سال بعد تمدید می گردید و در سال سوم به استخدام آموزش و پرورش در می آمدند.

مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی قانون راجع به استخدام آموزگاران پیمانی و تبدیل پایه های اداری و آموزشی که در ۱۳ ماده به تاریخ ۱۳۳۸/۲/۵ ش در مجلس شورای ملی به تصویب رسیده است در ماده ۱

" تا زمانی که عده فارغ التحصیلان دانشسراها برای تامین نیازمندیهای وزارت فرهنگ از حیث آموزگار کافی نیست وزارت فرهنگ کسری آموزگاران را از بین دارندگان گواهینامه کامل متوسطه در تهران و مرکز و شهرهای مهم هر استان (به تشخیص وزارت فرهنگ) و از بین دارندگان گواهینامه دوره اول متوسطه به بالا در مراکز شهرستان ها و بخش ها از طریق مسابقه انتخاب و به طور پیمانی استخدام نماید. (مرکز پژوهشهای مجلس شورای ملی).

در دهه چهل به بعد با توجه به ازدیاد دانش آموزان و برپایی دبیرستانهای جدید نیاز به دبیران دبیرستانها زیاد شد که به ناچار با استخدام فارغ التحصیلان دانشگاهی در رشته های مختلف سعی در رفع نیاز دبیرستانها کردند. اما به علت کمبود دبیران لیسانسیه تعدادی از دیپلمه های آموزگار نیز با گذراندن کلاسهای ضمن خدمت در کلاسهای دوره اول دبیرستان (سیکل اول) به تدریس می پرداختند. در اواخر دوره پهلوی دوم با تغییر نظام آموزشی که به سه دوره ابتدایی ، راهنمایی و دبیرستان تبدیل شد کمبود معلم در دوره راهنمایی محرز گردید. که با تاسیس دانشسرای راهنمایی تحصیلی از بین دیپلمه های مختلف گروهی انتخاب و آموزشهای لازم را به مدت دو سال می دیدند و به عنوان فوق دیپلم به مدارس راهنمایی اعزام می شدند. چون تعداد این گروه کافی نبود لذا آموزش و پرورش با برقراری دوره های کوتاه مدت تحت عنوان آموزش ضمن خدمت تعدادی از معلمان ابتدایی شاغل را آموزش داده و به عنوان فوق دیپلم به مدارس راهنمایی اعزام می کرد. که مجموعاً فوق دیپلم ها در مدارس راهنمایی همه آموزشهای مختلف را با توجه به رشته های تخصصی خود به دانش آموزان ارائه می کردند. در این رابطه نیز تعدادی از فرهنگیان قوچانی را هم شامل شد. اما واحد های آموزشی به شدت دچار کمبود معلم بودند. لذا به علت کثرت دانش آموز و افزایش ثبت نام ها به ناچار معلمین به صورت پاره وقت در مدارس به تدریس اشتغال داشتند که به علت حجم زیاد کار معلمین بازده خوبی نداشت. همین امر باعث گردید که حتی مدارس پاره وقت نیز تشکیل گردید که معلمین در نوبت

بعد نیز به کار گمارده شدند. به طوری که کارکنان نظام آموزشی بعد ها مبدل به افرادی فاقد روحیه و انگیزه کار فقط کسب در آمد بود.

۹- تربیت معلم و دانشسرای مقدماتی

پس از تاسیس دارالفنون در سال ۱۲۲۸ش و ایجاد گسترش مدارس جدید از قبیل رشديه، اسلام، سادات، اقدسیه، مشیریه، کمالیه نیاز به معلم برای تدریس در مدارس به ویژه معلمانی که با اصول تعلیم و تربیت جدید آشنا باشند به خوبی احساس می شد. اولین اقدام رسمی در زمینه تربیت معلم و تصویب قانونی در اردیبهشت ماه سال ۱۲۹۰ش توسط مجلس شورای ملی بود. در این قانون اصول اولیه تربیت اطفال مطرح شده بود طبق قانون برای افزایش سطح سواد معلمان کلاسهای مخصوصی در دارالفنون تشکیل گردید. اقدام دیگر تصویب قانون تاسیس دارالمعلمین مرکزی در سال ۱۲۹۷ توسط مجلس شورای ملی بود از این تاریخ ایجاد مراکز تربیت معلم زن و مرد صورت قانونی به خود گرفت. قبل از این که قانون تربیت معلم به تصویب مجلس برسد در سال ۱۳۲۷ه.ق ۱۲۹۷ش وزارت معارف در نظر گرفت مدرسه ای به نام دارالمعلمین به ریاست ابوالحسن فروغی و معاونت اسماعیل خان مرات تاسیس نماید (منصور یوسفی، ۱۳۵۶: ۱۳). قانون تربیت معلم و تاسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی در ۱۹ اسفند سال ۱۳۱۲ش در هفده ماده به تصویب مجلس رسید. پس از تصویب قانون تربیت معلم طبق ماده اول دولت مکلف گردید تا مدت ۵ سال بیست و پنج باب دانشسرای مقدماتی در سراسر کشور دایر کند و وزارت معارف را موظف کرد که اقدام به تاسیس دبستان و دبیرستان نماید (طوسی، ۱۳۴۵: ۴۳).

با توجه به نیاز شدید شهرستان قوچان به معلم مقاطع ابتدایی و با توجه به مصوبات دولت، در سال ۱۳۴۵ مرکز تربیت معلم دخترانه در قوچان به منظور تربیت آموزگار ایجاد شد. دانش آموزان دختری که مدرک ششم دبیرستان داشتند و حائز شرایط بودند پس از انجام آزمون ورودی در مرکز استان و سهمیه بندی برای شهرستانها به منظور تحصیل به این مرکز معرفی و مشغول به تحصیل می شدند. در همین سال دو کلاس دانشسرای مقدماتی

دخترانه نیز ضمیمه این مرکز شد. دانش آموزان دارای مدرک سیکل اول بعد از قبولی در آزمون ورودی وارد دانشسرا می شدند و بعد از دو سال تحصیل به عنوان آموزگار دبستان به خدمت وزارت آموزش و پرورش در می آمدند. ریاست اولیه تربیت معلم و دانشسرای مقدماتی با خانم روشنگر زعفرانلو بود (جابانی، ۱۳۶۳: ۱۵۱).

در ماده دوم تاسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی آمده است که: "دانشسراهای مذکور شبانه روزی و رایگان خواهند بود لیکن تا زمانی که بنای کافی برای آنها ساخته نشده است وزارت معارف ممکن است آنها را موقتا به صورت مدارس روزانه تاسیس نماید و به شاگردان آنها برطبق مقررات خاص خرج تحصیل بدهد." (مجموعه سالیانه قوانین و مقررات تصویب نامه ها متحدالمالها و... ۱۳۱۲، ۱۳۱۲: ۲۲۴). محل تشکیل کلاسهای تربیت معلم و دانشسرای مقدماتی در قوچان خیابان حافظ بود، که هم اکنون دبیرستان شهید جابریان می باشد. تربیت معلم و دانشسرا در آن سالها به صورت شبانه روزی اداره نمی شد و از تغذیه برخوردار نبودند، این مرکز به دلیل نبود فضای کافی بصورت روزانه دایر و شاگردان خانه اجاره کرده و نمی توانستند شبانه روزی باشند.

در سال ۱۳۴۹ مرکز تربیت معلم دخترانه قوچان منحل و دانشسرای مقدماتی دختران نیز به مشهد منتقل شد و در مقابل دانشسرای مقدماتی پسرانه در قوچان تاسیس گردید. در این سال علاوه بر دانش آموزان این مرکز، ۲۹ نفر دانش آموزان سال دوم دانشسرای منحل شده نیشابور نیز به قوچان منتقل شدند (متولی حقیقی، ۱۳۸۴: ۳۱۶). دانشسرای مقدماتی قوچان در ابتدای تاسیس، کار خود را با دوکلاس اول و یک کلاس دوم و مجموعا با هشتاد دانش آموز آغاز کرد. در سال اول تاسیس این مرکز مدیریت با خانم روشنگر زعفرانلو رئیس مراکز منحل شده تربیت معلم و دانشسرای مقدماتی دختران بود. در سالهای بعدی تعداد کلاسها و دانش آموزان دانشسرای قوچان افزایش یافت. و در سال ۱۳۵۱ نیز ساختمان بسیار وسیع و جالبی پایه ریزی و ایجاد شد که به مرکز دانشسرای پسران خراسان تبدیل گردید. طرح و نقشه و نظارت آن به عهده آقای مهندس تبریزی و ساختمان را آقای مقدم معمار بنا

نمود. (جابانی، ۱۳۶۳: ۱۵۲). پس از خانم زعفرانلو آقایان محمد حسن اخوان، محمد حسین اخوت، علی اصغر سلطانی، احمد دادگر و محمد زاده ریاست دانشسرا را عهده دار بودند. این دانشسرا تا سال ۱۳۶۰ به کار خود ادامه داد ولی در این سال منحل شد. پس از دو سال دوباره در سال ۱۳۶۳-۱۳۶۲ این مرکز به ریاست آقای خزاعی شروع به کار نمود. دانشسرای قوچان از نظر تامین معلم با کادر ورزیده ای که داشت در طول سالها توانست خدمات ارزنده ای به پیشرفت فرهنگ بنماید. اما این سوال مطرح است که چرا طی این مدت گروهی از کودکان امکان تحصیل در مدارس برایشان فراهم نشد و تعداد باز مانده از تحصیل رو به فزونی گذاشت؟

۱۰- مراکز تربیت مربی کودک

دوران کودکی اهمیت فوق العاده ای دارد. کودک در میان سایر موجودات عالم طولانی ترین زمان را نیاز دارد که قابلیت ها و توانایی های خود را پرورش و آشکار سازد. در واقع انسان ۱۸ سال اول زندگی خود را در حال رشد و تکامل در ابعاد مختلف است. و این زمان طولانی و با اهمیتی در زندگی انسان است. از آن جایی که آموزش های پیش از دبستانی کودک محورند، هسته های اولیه این نظام از دوره مشروطه آغاز شد. و در دوره پهلوی با کوشش های جبار باغچه بان و افراد دیگر شکل اولیه خود را به دست آورد. از دهه ۱۳۳۰ آموزش عمومی کودکان هدف قرار گرفت. محتوای آموزشی با فعالیت های خلاق و فرهنگی پیوند خورد. تغییر نگاه بزرگسالان به کودکان سبب شد که نیازهای آنان مانند بازی و سرگرمی ویژه کودکان به رسمیت شناخته شود. لذا در سال ۱۳۴۹ مراکز تربیت مربی کودک ایجاد شد. در سال ۱۳۵۱ این مرکز در قوچان دایر گردید تعدادی از دختران در این مراکز پذیرفته شدند و دوره یک ساله را طی نموده و به تربیت فرزندان قوچانی پرداختند.

۱۱- نتیجه

تربیت معلم نقطه شروع هر تحولی در آموزش و پرورش است. همین نشان دهنده اهمیت کار مراکز تربیت معلم است که وظیفه پرورش معلمان با صلاحیت و توانمند برای نظام آموزشی کشور را عهده دارند. تا قبل از مشروطیت معلمان با توجه به ذوق و سلیقه شخصی برنامه های تحصیلی را برای مدارس و محل تدریس تنظیم و تدوین می کردند و برای تصدی شغل خود دوره خاصی را نمی گذراندند. معلمان معمولاً از طلاب مدارس قدیم بودند.

در دوره ای که نظام جدید تاسیس شد اکثر مردم کشور بی سواد بودند و از تعلیم و تربیت جدید آگاهی نداشتند و قطعاً نمی توانستند در تعیین امر تعلیم و تربیت نقشی داشته باشند اصلاح طلبان و روشنفکران هم سریع آموزش دول اروپایی را وارد مملکت نمودند بدون این که هدفی از این کار داشته باشند. هرچند وسیله ای برای مدرن سازی دوره پهلوی شد. در سال ۱۳۱۲ دانشسرای مقدماتی به منظور تربیت معلم تاسیس شد. با حضور آمریکا در ایران، سیاست های فرهنگی به وسیله اصل چهار ترومن انجام گرفت که مدارس و آموزشگاه های زیادی جهت تعلیم دانش آموزان به فراگیری و یادگیری درس و هم چنین به تربیت معلم پرداخته شد و خیلی سریع مدارس (مدارس ابتدایی، دبیرستان، مراکز فنی، دانشسرای مقدماتی، تربیت معلم، دانشسرای عشایری) ساخته شد. در سال ۱۳۴۱ سپاه دانش نمونه دیگری از تربیت معلم در دوران پهلوی دوم بود که برای کمک و همیاری به آموزش مدارس شهری و روستائی صورت گرفت. این سپاهیان نقش زیادی در گسترش سواد آموزی داشتند. که تاثیر مهمی در رفع کمبود معلمان و افزایش دانش آموزان در روستاها داشت.

در قوچان مرکز تربیت معلم در سال ۱۳۲۳ به نام کلاس کمک آموزگاری تاسیس گردید که فقط یک دوره در قوچان تشکیل شد با توجه به فعالیت مرکز تربیت معلم در کشور و در قوچان متوجه می شویم که تربیت معلم سیر صعودی و نزولی در این شهر داشته گاهی

تشکیل و زمانی منحل می شده است این افت و خیزها در کاهش دانش آموزان و دانشجویان این مراکز نقش داشته است. هم چنین در کمبود معلم مدارس نیز متوجه این نقصان می شویم. ضمناً کسانی به شغل معلمی روی می آوردند که دارای مدرک تحصیلی بالا نبوده و نمی توانستند در شغل های پر درآمد استخدام شوند. به ناچار به آموزش و پرورش روی می آوردند. با توجه به جذب نیروهای مختلف در مقاطع آموزشی و نحوه گزینش افراد جهت معلمی اغلب نیروهای استخدام می شدند که بتوانند با برنامه های جاری آموزش و پرورش همکاری کرده و مقاصد نظام را پیش ببرند. باید توجه داشت که نظام آموزشی در دوره پهلوی در جهت افزایش دروس وابسته به غرب و بتدریج در مقابل آن حذف دروس یا کم نمودن بعضی از دروس از کتاب ها بود در ضمن افزایش برنامه های فوق العاده مانند اردوها و پیشاهنگی و سازمان جوانان و اردوهای ورزشی مختلط انجام می گرفت. امکانات آموزشی کم بود و عدالت آموزشی اجرا نمی گردید. از نظر فنون و روش تدریس در سطح قابل قبولی نبود. بی علاقه گی و کم توجهی به آموزش و پرورش پدیده اجتماعی بود زیرا پایین بودن سطح جاذبه شغلی، موقعیت اجتماعی، اقتصادی و مالی باعث می گردید که افراد از نظر تحصیل و تخصص بالاتر، به سوی مشاغلی بروند که پر درآمد است. و از موقعیت اجتماعی بالایی برخوردار است.

کمبود ساختمان و معلم سبب شد تا مدارس پاره وقت تاسیس گردد و بسیاری از معلمان را در آن کلاسها با کم کاری مواجه ساخت. گزینش معلم باید از حیث علاقه و استعداد و تواناییهای برای تربیت و کسب تخصص آمادگی لازم را داشته باشند اما بیشتر بر اساس وابستگی به نظام بود. و معمولاً معلمینی را به روستاها و مناطق محروم می فرستادند که توانمندیهای شغلی لازم را نداشتند. اغلب معلمین تازه استخدام بودند و از سال ۱۳۵۳ شرط استخدام و دریافت حقوق بر اساس ثبت نام و عضویت در حزب رستاخیز بود.

چون وظایف آموزش و پرورش متمرکز بود دولت تمام امور و مسئولیت های آن را از لحاظ اداره و کنترل، تعیین هدف ها و خط مشی ها و تدوین برنامه های آموزشی را برعهده گرفته

بود. در نتیجه در چنین نظامی معلمین پس از استخدام به افرادی که فاقد انگیزه کار باشند تبدیل شدند. واحدهای آموزشی دچار کمبود معلم گردیدند.

در دوره پهلوی هدف، محتوا، روشها یکنواخت بود مراکز تربیت معلم با تامین نیاز آموزشی می توانست موثر واقع شود اما همه نیازها را برآورده نمی کرده است و کمبود معلم در تمام کشور نه تنها قوچان با روشهای دیگری مانند سپاه دانش و استخدام نیروهای خارج از مراکز تربیت معلم جبران می شد. اما با گذشت چند سال مسئله تربیت معلم هنوز در ایران و شهرستان قوچان باقی است.

با استفاده از تجربیات مطالعاتی و پژوهشی کشورهای موفق در زمینه تربیت معلم و با بومی سازی بر اساس معیارهای فرهنگی و زمینه های تاریخی، تربیت معلم اثر بخش ایجاد شود. دولتمردان و دست اندرکاران دستگاه تعلیم و تربیت کشور با تصویب قوانین و تامین سرمایه های لازم و بسط منابع مالی بیشتر و عدم تمرکز از توانمندی های محلی و بومی بهره گیرند.

کتابنامه

- آقازاده، احمد (۱۳۸۸)، مسایل آموزش و پرورش ایران، تهران: سمت.
- آقازاده، احمد (۱۳۸۲)، تاریخ آموزش و پرورش ایران، تهران: ارسباران.
- برقعی، علی اکبر (۱۳۲۸)، راهنمای دانشوران، قم: بی نا.
- جابانی، محمد (۱۳۶۳)، سرزمین و مردم قوچان، مشهد: انتشارات اطلس.
- جابانی، محمد (۱۳۷۵)، مشروح حکومتهای قوچان، مشهد: محقق.
- رحمانیان، داریوش (۱۳۹۴)، ایران بین دو کودتا، تهران: سمت.
- رضازاده خسرویه، رزق الله (۱۳۸۴)، قوچان بام خراسان تحلیلی بر اوضاع طبیعی، انسانی و اقتصادی شهرستان قوچان، مشهد: پژوهش توس.
- سهرابی، علی (۱۳۷۳)، آموزش و پرورش در عشایر ایران، شیراز: دانشگاه شیراز.
- صدیق، عیسی (۱۳۵۴)، تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر، تهران: دانشگاه تهران.
- طوسی، محمد علی (۱۳۴۵)، سازمان اداره کشور و قوانین فرهنگی، تهران: بی نا.
- عسکریان، مصطفی (۱۳۶۳)، سازمان و مدیریت آموزش و پرورش، تهران: امیر کبیر.
- علاقه بند، علی (۱۳۷۶)، مقدمات مدیریت آموزشی، تهران: نشر روان.
- متولی حقیقی، یوسف (۱۳۸۴)، تاریخچه آموزش و پرورش نوین خراسان از آغاز تا انقلاب اسلامی، مشهد: مرنندیز.
- مشایخی، محمد (۱۳۵۴)، آموزش و پرورش تطبیقی، تهران: دانشسرای عالی.
- مشایخی، محمد (۱۳۵۵)، تاریخ تربیت معلم، تهران: امیر کبیر.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمد (۱۳۶۳)، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش سعید سیرجانی، تهران: امیر کبیر.

یوسفی، منصور و محمدعلی، علیدوست، زهرادانش پژوه، تربیت معلم در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، دانشگاه تربیت معلم.

روزنامه ها و مجلات

- ۱) تمدنی، احمد (۱۳۱۵-۱۳۱۶) سالنامه تمدن، مشهد: چاپخانه حسینی.
- ۲) روزنامه آفتاب شرق (۱۳۴۲) سال ۳۹.
- ۳) مجله تعلیم و تربیت (۱۳۱۶)، تهران: اداره انطباعات وزارت معارف، شماره ۹، سال هفتم.
- ۴) نشریه مهرگان (۱۳۴۳) انتشارات اداره کل بازرسی اداره کل فرهنگ خراسان، چاپخانه خراسان، مشهد: مهر.
- ۵) گزارش خبرنگاران سالیانه انجمن خبرنگاران خراسان، ۱۳۲۸.
- ۶) مجموعه سالیانه (۱۳۱۲)، قوانین و مقررات تصویب نامه ها، متحدالمال ها و ... تهران: مطبعه ایران، بی تا.
- ۷) مرکز پژوهش های مجلس شورای ملی، ۱۳۲۸:

Bibliography

- Aghazadeh, Ahmad (1388). Issues in Iranian Education. Tehran: Samt.
- Aghazadeh, Ahmad (1382). History of Education in Iran. Tehran: Arsabaran.
- Borqei, Ali Akbar (1328). Rahnamay-e Daneshvaran. Qom: Bi Na.
- Jabani, Mohammad (1363). The Land and People of Quchan. Mashhad: Atlas Publications.

Jabani, Mohammad (1375). Detailed Account of Quchan Governments. Mashhad: Mohaqeq.

Rahmanian, Dariush (1394). Iran Between Two Coups. Tehran: Samt.

Rezazadeh Khasroyeh, Rezqollah (1384). Quchan, the Roof of Khorasan: An Analysis of the Natural, Human, and Economic Conditions of Quchan County. Mashhad: Peyvand Tous.

Sohrabi, Ali (1373). Education in Iranian Nomadic Tribes. Shiraz: Shiraz University.

Seddiq, Isa (1354). History of Iranian Culture from the Beginning to the Present. Tehran: University of Tehran.

Tousi, Mohammad Ali (1345). Country Administration Organization and Cultural Laws. Tehran: Bi Na.

Askarian, Mostafa (1363). Organization and Management of Education. Tehran: Amir Kabir.

Alaqeband, Ali (1376). Fundamentals of Educational Management. Tehran: Nashr Ravan.

Motavvali Haqiqi, Yousof (1384). History of Modern Education in Khorasan from the Beginning to the Islamic Revolution. Mashhad: Marandiz.

Mashayekhi, Mohammad (1354). Comparative Education. Tehran: Danesh Saray-e Aali.

Mashayekhi, Mohammad (1355). History of Teacher Training. Tehran: Amir Kabir.

Nazem ol-Eslam Kermani, Mohammad (1363). History of the Awakening of Iranians, edited by Saeed Sirjani. Tehran: Amir Kabir.

Yousefi, Mansour and Mohammad Ali, Alidoost, Zahra Daneshpajouh. Teacher Training in Fifty Years of Pahlavi Monarchy. University of Teacher Education.

Newspapers and Magazines

Tamaddoni, Ahmad (1315-1316). Tamaddon Yearbook. Mashhad: Hosseini Printing House.

Aftab Sharq Newspaper (1342). Year 39.

Ta'lim va Tarbiat Magazine (1316). Tehran: Ministry of Education Publications Department, Issue 9, Year 7.

Mehrgan Publication (1343). Khorasan Department of Education General Inspection Publications, Khorasan Printing House, Mashhad: Mehr.

Annual Reports of Khorasan Journalists Association, 1328.

Annual Collection (1312). Laws and Regulations, Decrees, United Funds, etc. Tehran: Matbaa Iran, undated.

Majlis Research Center, 1328

The Structure of the Teacher Training System in Quchan during the First and Second Pahlavi Eras

Abstract

The establishment of modern schools in Iran has no definitive date, as some believe it began with religious schools established by American missionaries in Azerbaijan, while others point to the founding of Darolfonoon School. However, it's clear that the first teacher training center in Iran was established in 1297 AH.

The first teacher training center in Quchan County was established in 1323 AH with 25 students. This center was called the "Assistant Teacher Class". In 1346-1345 AH, a girls' teacher training center and two preliminary college classes were added to this center in Quchan. However, in 1349 AH, it was dissolved and replaced by a boys' college. This college was dissolved in 1360 AH and resumed full operation in 1363 AH. It now operates as Farhangian University, accepting many students for the teaching profession.

The main question is what was the structure and role of teacher training centers in Quchan during the first and second Pahlavi periods? Given the nature of the topic, the research method in this study will be descriptive-analytical. In terms of data collection, library and field methods will be used. The purpose of this research is primarily to answer the main question. In light of this, it aims to examine and analyze the structure of the educational system and the evolution of the teacher training system,

which is one of the important parts of society, and its impact on student education.

The results of this research indicate that these centers in Quchan have had ups and downs, and the issue of teacher training has not yet been resolved. Many schools face a shortage of teachers.

Keywords: Quchan, Darolmoallemin, Darolmoallemat, Teacher Training, Preliminary College, First and Second Pahlavi